

مقالات پراستناد به عنوان آثار هسته و دارای کیفیت یک حوزه علمی شناخته می‌شوند و از تعداد آنها به عنوان شاخصی جهت بررسی کیفیت و تأثیرگذاری فعالیت‌های پژوهشی استفاده می‌شود. هر چند استناد از مهم‌ترین و قابل قبول‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی عملکرد و کارآیی علمی است، لکن با محدودیت‌هایی چون: وابستگی زمانی، وابستگی به پایگاه‌های گران‌قیمت با محدودیت دسترسی مواجه است. در این میان آلتریکس (دگرسنجی) که به عنوان ابزاری برای سنجش تأثیر علمی در محیط وب معرفی شده است، می‌تواند جنبه‌های دیگری از اثرگذاری مقالات را بر جامعه علمی نمایان سازد. با این دیدگاه این پژوهش با هدف تدوین مدلی برای روابط بین شاخص‌های علم‌سنجی و دگرسنجی در مقالات پراستناد، ضمن تعیین میزان حضور مقالات پراستناد در رسانه‌های اجتماعی و شناسایی اثرگذارترین این مقالات بر مبنای شاخص‌های دگرسنجی، همبستگی شمار استنادات این مقالات را با امتیاز دگرسنجی آنها و نیز با شمار خوانندگان این مقالات در برخی از شبکه‌های اجتماعی علمی مهم (همچون مندلی، توئیتر و فیس‌بوک) مورد تحلیل قرار داده است. در گام اول وضعیت مقالات پراستناد پژوهشگران کشورهای ایران، ترکیه، عربستان و ژاپن نمایه شده در پایگاه وب آوساینس (در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۹)، با رویکرد علم‌سنجی مورد تحلیل و بررسی مقایسه‌ای قرار گرفت. مبنای انتخاب این کشورها با در نظر گرفتن عواملی همچون مؤلفه‌های بافتی آنها، رقابت تنگاتنگ ایران با دو کشور اسلامی ترکیه و عربستان در تولید مقالات علمی و پراستناد، و لزوم بررسی مقایسه‌ای آنها با یکدیگر و با یکی از کشورهای توسعه‌یافته خاور دور یعنی ژاپن بوده است. همچنین با بهره‌گیری از رویکرد دگرسنجی و اطلاعات یکی از مهم‌ترین ارائه‌دهندگان خدمات دگرسنجی یعنی آلتریکس اکسپلورر، علاوه بر شناسایی اثرگذارترین مقالات بر مبنای شاخص‌های دگرسنجی، میزان حضور مقالات پراستناد در رسانه‌های اجتماعی ارزیابی شد. بررسی رابطه همبستگی بین شمار استنادات و امتیاز دگرسنجی مقالات مورد مطالعه نشان داد با توجه به پایین بودن میزان ضریب همبستگی دو متغیر، افزایش شمار استنادات مقالات مورد مطالعه، تأثیر قابل توجهی در امتیاز دگرسنجی این مقالات ندارد. همچنین بین شمار استنادات و شمار خوانندگان مقالات در شبکه‌های اجتماعی مندلی، توئیتر و فیس‌بوک رابطه آماری معنادار مثبت و در عین حال ضعیفی مشاهده شد. با توجه به یافته‌های متفاوت سایر مطالعات در این زمینه و ضریب همبستگی ضعیف به دست آمده در این پژوهش، نمی‌توان هیچ نوع نتیجه‌گیری قطعی در مورد همبستگی بین این متغیرها گرفت. به عبارتی منابع پراستناد الزاماً ممکن است به همان میزانی که استناد گرفته‌اند، در رسانه‌های اجتماعی مورد توجه نباشند و دستورالعمل واحدی برای ارزیابی همبستگی این دو متغیر وجود ندارد. همچنین ارزیابی ارتباط برخی متغیرها همچون همکاری علمی، دسترسی آزاد مقالات و شاخص نوین استنادی مجلات، با شمار استنادات و امتیاز دگرسنجی مقالات بیانگر پایین بودن میزان همبستگی بین این متغیرها با یکدیگر بود. در مجموع یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل محرک استنادات و دگرسنجی‌ها با یکدیگر متفاوت است. بنابراین معیارهای رسانه‌های اجتماعی را نمی‌توان به عنوان جایگزینی برای استنادها در نظر گرفت و حداکثر می‌تواند به عنوان مکملی برای انواع دیگر شاخص‌ها عمل کنند که با در نظر گرفتن مزایای آنها از قبیل سرعت رؤیت‌پذیری و گسترش جامعه مخاطبان، نقش مفید و کمک‌کننده‌ای در افزایش اثرگذاری پژوهشگران خواهند داشت.